

جایگاه روابط شهر و روستا در تولید و عرضه فرش مورد: ناحیه سنقر کرمانشاه

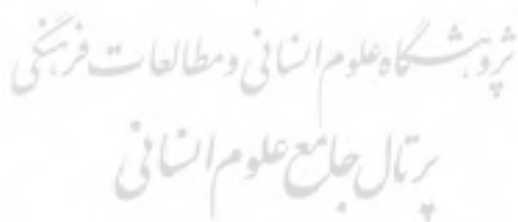
رضوان صفرخانی^۱، عباس سعیدی^۲، پگاه مریدسادات^۳، مرتضی قورچی^۴

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۴/۰۶، تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۳/۱۱

چکیده

کوشش در راستای شناخت درست روابط و مناسبات روستا و شهر جلوه ای از دستیابی به تحول و توسعه محسوب می شود. عملکرد اجتماعی - اقتصادی سکونتگاه های روستایی و شهری در قالب روابط و مناسبات در چارچوب تئوری "سرمایه‌داری بهره‌بری" بیانگر شکل گیری نابرابری های موجود بین سکونتگاه های مختلف است. پژوهش پیش رو مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای و میدانی با ماهیت توصیفی - تحلیلی بوده و به بررسی نحوه تولید و عرضه فرش دستباف، در دو بعد درون ناحیه‌ای و فرا ناحیه‌ای با تأکید بر روابط و مناسبات شهر و روستا در ناحیه سنقر مشتمل بر دو سکونتگاه شهری و ۲۱۱ سکونتگاه روستایی صورت گرفته است. نتایج پژوهش بیانگر تسلط شیوه "سرمایه‌داری بهره‌بری" در روابط و مناسبات حاکم بین شهر و روستا در تولید فرش دستباف و ارائه آن به بازارهای ملی و جهانی است.

کلیدواژگان: روابط و مناسبات روستا و شهر، سرمایه‌داری بهره‌بری، فرش دستباف، ناحیه سنقر



۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی.
۲. استاد (بازنشسته) گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، نویسنده مسئول، ایمیل: abbsaidi@gmail.com
۳. استادیار گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی.
۴. عضو هیئت علمی دپارتمان جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی فضایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

مقدمه

سرآغاز بحث‌های علمی در باره روابط شهر و روستا در ایران عمدتاً به اواخر دهه ۱۹۴۰ میلادی باز می‌گردد. از آن زمان، کاربرد مفهیمی همچون حومه، حوزه بلافصل و حوزه نفوذ به عنوان مفاهیم پایه در این مبحث مورد استفاده تخصصی قرار گرفت. کوشش‌های به انجام رسیده در زمینه درک علل و پیامدهای روابط شهر و روستا اغلب به این نکته منتهی شده است که این گونه روابط در دنیای غیرصنعتی عمدتاً و پیوسته بر تحمیل نوعی ویژه از "روابط سلطه" با ماهیت "استثماری"^۱ از سوی شهرها بر محیط‌های روستایی استوار بوده است. در این ارتباط، هانس بوبک^۲ در نوشته‌های پیشنهاد خود در زمینه روابط شهرها و حوزه‌های (روستایی) پیرامونی در کشورهای شرق اسلامی، بویژه ایران، این گونه روابط سلطه را در قالب "سرمایه داری بهره‌بری"^۳ و روابطی "انگلی" مطرح ساخته است (اهلرس، ۱۳۹۰، ۱۷). طی دهه‌های گذشته، مقوله روابط شهر و روستا در ایران از جنبه‌های مختلف و با رویکردهای متفاوت مورد بحث و بررسی قرار گرفته، اما با این وجود بنظر می‌آید این مبحث، به سبب برخی دگرگونی‌های اقتصادی-سیاسی و اجتماعی-فرهنگی در گذر زمان، ضرورت دارد از نو مورد واری و بازنگری قرار گیرد. ضرورت این مهم هنگامی بیشتر مطرح می‌گردد که در مباحث اخیر در باره دوگانه "شهر" و "روستا" و همچنین مفهوم تازه و یکپارچه "روستایی-شهری" به اندازه کافی بحث و تحقیق نشده است. در همین راستا، ضرورت یکپارچگی برنامه‌ریزی توامان و هم‌پیوند روستایی-شهری نیز هنوز نتوانسته شیوه سنتی و مسلط و متاسفانه "بخشی" برنامه‌ریزی شهری و برنامه‌ریزی روستایی را که هنوز در بین بسیاری از کارشناسان و برنامه‌ریزان رواج دارد، کنار زده، جای آنها را بگیرد؛ این همه در حالی است که ضرورت توامانی و یکپارچگی برنامه‌ریزی روستایی-شهری در قالب برنامه‌ریزی فضایی توسط بعضی متخصصان مورد تأکید بوده است (نک: سعیدی، ۱۳۸۹، ۸-۹؛ همو، ۱۳۹۹، ۱۵۴-۱۵۶).

آشکار است که تأکید بر رویکرد یکپارچه به دوگانه روستا و شهر به معنای یکسان شمردن دو وضعیت ساختاری شهر و روستا نیست، بلکه پافشاری بر این واقعیت است که در عرصه‌های فضایی، تعامل شهر و روستا و پیوندهای متصور و ممکن بین آنها می‌تواند و باید در هرگونه طراحی و ارزیابی برنامه‌ریزی فضایی، از جمله برنامه‌ریزی سکونتگاهی، مورد تأکید اساسی قرار گیرد (همو، ۱۳۸۹، ۱۰). این همه در حالی است که اصرار و تأکید برخی کارشناسان بر گسترش کانونهای شهری به مثابه نوعی "توسعه‌یافتگی" و بی‌توجهی به هم‌نوایی و هم‌پیوندی شبکه‌های سکونتگاهی در قالب نظام‌های فضایی منطقه‌ای، نه تنها به دوام مناسبات غیرسازنده شهر و روستا، بلکه به دیرپایی روابط سلطه‌آمیز شهرها بر روستاها دامن زده است (همو، ۱۳۹۱، ۲۴). در همین ارتباط، ضرورت بازنگری در روابط سنتی شهر و روستا و اصلاح و ترغیب آن به شکل‌پذیری پیوندهای روستایی-شهری مطرح است. البته، این مهم مستلزم بررسی و شناخت دقیق روندها و سازوکارهای حاکم بر روابط سنتی شهرها و روستاها و شناسایی راههای ممکن و میسر دگرگونی آنهاست، به نحوی که تلاش در راه بسترسازی برای توسعه شهری در گرو توسعه روستایی و بالعکس گردد (همو، ۱۳۹۲، ۱۸).

در اینجا، مطالعه و شناسایی روابط شهر سنقر و روستاهای پیرامونی آن، به عنوان نمونه‌ای موردی، با تأکید بر فعالیت قالبیابی مورد مطالعه و شناسایی قرار گرفته است. این ناحیه دارای ۲ شهر و ۲۱۱ آبادی دارای سکنه است و فعالیت قالبیابی از دیرباز، از فعالیت‌های تکمیلی در اقتصاد روستاهای آن بشمار می‌رفته است. این مطالعه با تکیه بر دو پرسش مرتبط و یک پیش‌فرض مبنایی، به شرح زیر به انجام رسیده است:

- 1 . Exploitative
- 2 . Hans Bobek
- 3 . Rent-Capitalism

پرسشهای تحقیق:

الف- روابط شهر و روستا در ناحیه مورد بررسی بر اساس کدام سازوکارها استوار است؟

ب- جایگاه این روابط در فعالیت قالبیابی در روستاها چگونه قابل تبیین است؟

بدین ترتیب، پیش فرض تحقیق عبارت است از:

در چارچوب روابط سلطه‌جویانه شهر با روستاها، فعالیت قالبیابی، همچون دیگر فعالیت‌های اقتصادی روستاها، در قالب روابط نابرابر شهر و روستا و بر خروج ارزش افزوده از روستا به شهر استوار است.

پیشینه پژوهش

مطالعات جدی و علمی در زمینه روابط و مناسبات شهر و روستا در ایران به اواخر دهه ۱۹۴۰ میلادی و پژوهشهای هانس بوبک، جغرافیدان اتریشی، باز می‌گردد (سعیدی، ۱۳۹۰، ۷۸-۸۰). او با ملاحظات تاریخی و جمع‌بندی این مطالعات، به طرح نظریه "سرمایه‌داری بهره‌بری" پرداخت که خود زمینه‌ساز بحث‌های گسترده‌ای در بین جغرافیدانان آلمانی‌زبان و دیگر جغرافیدانان اروپایی گردید؛ این نظریه نه تنها بطرز خاص به این روابط در ایران، بلکه بطور کلی، به ماهیت شهرهای شرق اسلامی مربوط می‌شود. بوبک بر این اساس، نه تنها ماهیت شهرهای امروزی توجه دارد، بلکه شهرها و فرهنگهای شهری مشرق‌زمین را به طور کلی، نتیجه و پیامد روندهای چنددهه‌ای ساله، نوعی خاص از روند تکوین اجتماعی-اقتصادی بشمار می‌آورد (اهلرس، ۱۳۹۰، ۱۳-۱۴).

بعضی پژوهشگران در چارچوب مطالعات شهر و روستا در ایران، بر وجه خاصی از نحوه تولید و مبادله کالایی بین شهر و روستا بحث کرده‌اند؛ اهلرس در مطالعات خود در شهر و روستاهای دزفول (خوزستان)، از مالکان غایب عمدتاً ساکن شهر دزفول یاد می‌کند که بخش اعظم اراضی روستایی را در اختیار داشته، از این راه، سهم قابل توجهی از محصول تولیدی توسط روستاییان را به تصرف خود در می‌آوردند (همو، ۱۳۸۰، ۲۵۴). همو در بررسیهای دیگر مربوط به پیش از انقلاب، از جمله در دو بررسی در زمینه روابط شهر و روستا در نواحی طبس و اراک، چگونگی نحوه تولید و بافت قالی توسط روستاییان و نقش تجار شهری در این فرایند تکیه دارد.

اهلرس در مورد نخست که به مطالعات او طی سالهای ۱۳۵۴-۱۳۵۵ باز می‌گردد، می‌نویسد، بافندگان فرش در روستاهای طبس به سه شیوه عمل می‌کنند: الف) در شیوه نخست، بافندگانی که با سرمایه اندکی در اختیار دارند، با دریافت مبلغی از کسبه و دلالتان شهری به عنوان "پیش‌پرداخت" به بافت قالی پرداخته و تولید نهایی را در چارچوب "پیش‌فروش" که در مناسبات تولید زراعی رایج است، به آنها تحویل می‌دهند. در شیوه دوم، بافندگانی که سرمایه نسبتاً کافی در اختیار دارند، به سبب عدم دسترسی به خریداران و بازارهای شهری، تولید نهایی خود را به مغازه‌داران شهر طبس که با شهرهای مشهد و تهران در تماس هستند، به قیمتی "توافقی" که چارچوب آن بیشتر از سوی مغازه‌داران و دلالتان شهری تعیین می‌شود، واگذار می‌کنند. در شیوه سوم که بیشتر قالبیابی با کیفیت بهتر بافته می‌شود، تمام امور مرتبط با بافت قالی از بیرون از ناحیه روستایی طبس اداره و سازماندهی می‌شود؛ یعنی دار، نخ، نقشه، پشم و ابریشم مورد نیاز از شهرهای اصفهان، نایین و یزد توسط واسطه‌های شهر طبس تامین می‌شود و از این رو، روستاهای ناحیه تنها نقش یک ایستگاه بافندگی را ایفا می‌کند (همو، ۱۳۸۰، ۲۷۱-۲۷۵).

او در ارتباط با مورد شهر اراک و حوزه پیرامونی آن که به مطالعات او در سالهای ۱۳۵۹-۱۳۶۰ باز می‌گردد، از نوعی "دوگانگی" بین حضور و فعالیت واحدهای بزرگ صنعتی در کنار صنایع دستی سنتی در این ناحیه سخن رانده، برجستگی نقش بخش قدیمی و بازار شهر در ساماندهی بافت و فروش قالی را توضیح می‌دهد (همو، ۱۹۸۲، ۲۲۲-۲۲۴). اهلرس در مقاله دیگری در سال ۲۰۰۶، با عنوان "چه چیزی در باره فرش ایرانی، ایرانی است؟" به جایگاه قالبیابی در اقتصاد و روابط شهر و روستا می‌پردازد. او در این مقاله که حاصل ۳ سال مطالعه در شهر و روستاهای ناحیه کاشان طی سالهای ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ است، با تاکید بر تاریخ و فرهنگ شکوهمند ایران، می‌نویسد، این ویژگی در

دهه‌های اخیر تحت تاثیر رقابتهای اقتصادی و نیز فرایند جهانی شدن قرار گرفته است؛ او خاطر نشان می‌سازد، در این فرایند، صنعت و تجارت فرش ایرانی، هم در سطح محلی و هم منطقه‌ای، با دگرگونیهای گسترده‌ای همراه شده است که از آن میان، بر وابستگی جریان واردات مواد اولیه برای بافت فرش و نقش بازارهای خارجی در تامین این مواد تاکید می‌ورزد.

مارسل بازن در مطالعات خود در باره "منطقه قم" طی دو نوشته ارزشمند (۱۹۷۳ الف و ب)، ضمن طرح روابط حاکم بر شهر و روستاهای پیرامونی در این منطقه، بر نحوه تولید و بازریابی قالی، به عنوان فعالیتی تکمیلی در اقتصاد روستا، ضمن برشمردن تعداد قابل توجه افراد فعال در این زمینه (۱۹۷۳ الف)، ویژگیهای قالی در این منطقه، از جمله طرح و نقوش فرشهای این منطقه، بر روابط نابرابر شهر و روستا در این زمینه سخن می‌گوید (همو، ۱۹۷۳ ب، ۱۰۵-۱۰۶). افزون بر این، برخی مطالعات در باره روابط شهر و روستا با تاکید بر قالیبافی روستایی توسط پژوهشگران ایرانی به انجام رسیده که از آن میان، به سه مطالعه زیر اشاره نمود:

الف- مطالعه احمدی‌فر و کرمی دهکردی (۱۳۹۵) در باره نحوه بافت فرش در روستاهای زنجان که طی آن انواع بافت فرش مورد بررسی قرار گرفته و ضمن آن، نقش دلالتان محلی و واسطه‌های شهری را در دسترسی بافندگان روستایی به مواد و نقشه‌های فرش مورد بررسی قرار داده‌اند.

ب- حسن افراخته و همکاران در مطالعه خود در باره "نقش قالیبافی در توسعه روستایی" (۱۳۸۸)، به بررسی نقش یک کارگاه قالیبافی روستایی با ۴۰ نفر کارکن می‌پردازد و بدون عنایت به نقش و عملکرد شهر در این ارتباط، آن را بستر ساز تحول و توسعه روستایی برمی‌شمارد.

ج- محمدی استادکلاویه، امین و همکاران (۱۳۹۵) در بررسی خود در باره نقش قالیبافی در روستاهای ترکمن‌نشین گنبد، به بررسی اهمیت این فعالیت در اقتصاد روستاهای ناحیه و علل گوناگون رکود آن در سالهای اخیر می‌پردازد. تاکید این مطالعه، همچون مطالعه افراخته و همکاران (۱۳۸۸)، عمدتاً به شیوه کمی به انجام رسیده و از این رو، به اهمیت روابط و مناسبات روستاها با شهرهای ناحیه‌ای بی‌توجه بوده، به آن نپرداخته است.

علاوه بر این، برخی مطالعات در باره فعالیت قالیبافی در ناحیه سنقر به انجام رسیده است که از آن میان می‌توان بدین شرح به آنها اشاره کرد: صدری (۱۳۸۴) در مقاله خود تلاش داشته است تا از طریق بررسی نقوش و طرحهای قالیها و قالیچه سنقر، بویژه فرشهای روستایی ناحیه، به جایگاه فرهنگی و مفاهیم پنهان در پس نقوش این بافته‌ها بپردازد؛ حال آنکه مطالعه رنجبر (۱۳۹۲) در قالب یک پایان‌نامه، حاوی مطالب پراکنده‌ای پیرامون قالی سنقر (کردی) و انواع نقشه‌های آن است که ضمن آن، کوشیده است به بررسی مفهوم برخی نقوش قالی سنقر نیز پرداخته است. در همین ارتباط، مقاله شایسته‌فر (۱۳۸۳) در زمینه هنر قالیبافی در ناحیه سنقر، با وجود پیشگامی بلحاظ زمانی، نسبت به دو مطالعه دیگر، هنوز از مطالبی جدی‌تر و جامع‌تر در باره بحث در زمینه‌های بالا برخوردار است.

روش و رویکرد نظری پژوهش

پژوهش حاضر از نظر نوع، بنیادی و از لحاظ ماهیت، توصیفی-تحلیلی و روند مطالعات آن، بر دو شیوه اسنادی-کتابخانه‌ای و بررسیهای میدانی، مبتنی بر مشاهده و مصاحبه، استوار بوده است. جامعه آماری پژوهش، شامل روستاییان و واحدهای بافت فرش در روستاهای ناحیه سنقر بوده است. این پژوهش بلحاظ نظری عمدتاً بر دیدگاههای هانس بوبک، جغرافیدان اتریشی، در باره "سرمایه‌داری بهره‌بری" و منتقدان این نظریه متکی بوده است.

بوبک در ارتباط با فرهنگهای کهن مشرق زمین بر این باور بود که بین مرحله "جامعه زراعی سازمان‌یافته اربابی" یا "فئودالیسم" (به مفهوم گسترده و عام آن) و مرحله "سرمایه‌داری نوین" یا "تولیدی" (جامعه صنعتی)، مرحله تکوینی خاصی قابل شناسایی است که با "شهرنشینی کهن" (پیشاسرمایه‌داری) هم‌پیوند و دارای ویژگیهای اقتصادی-اجتماعی کاملاً خاص خود است. او این نظام اقتصادی-اجتماعی را "سرمایه‌داری بهره‌بری" می‌نامد. به باور او، "این نظام

اقتصادی با نظامهای پیش و پس از خود، از آن رو آشکارا تفاوت دارد که از یک سو، تولید ثروت یا تشکیل سرمایه فی‌ذاته هدف غایی است، اما از سوی دیگر، سرمایه به شکلی بارز و قابل توجه در بهبود روند تولید یا بهره‌برداری [از منابع] به منظور افزایش محصول بکار گرفته نمی‌شود. "بوبک در توضیح می‌افزاید، "این شیوه به واسطه تجاری‌کردن عواید تولید و تحمیل مبتنی بر روحیه کاملاً سوداگرانه آن بر دوش اقشار فرودین روستایی و دیگر تولیدکنندگان" قابل تبیین است. این امر متکی است بر "تسهیم تولیدات یا محصولات روستایی در قالب به اصطلاح عوامل یا عناصر تولیدی که می‌توانند به عنوان "کالا" مورد معامله قرار گیرند و به مثابه مبنای حقوقی - عرفی برای کسب سهم معین از کل تولید به شکل بهره [مالکانه] تجلی یابند. "بوبک در توضیح می‌افزاید، "این شیوه گویای نظامی ظاهراً ابتدایی، اما در عمل، بسیار متکامل و انعطاف‌پذیر است که مطابق آن، هر عامل تولیدی بر مبنای روابط حاکم بر آن، ارزیابی و برحسب ارزش پولی محاسبه می‌شود. عدم ارتقا و پیشرفت واحد تولیدی را در این نظام بسیار کهن می‌توان به خوبی از این طریق به اثبات رساند که از حدود ۴۰۰۰ سال پیش از پدیدار شدن "سرمایه‌داری تولیدی" تداوم داشته است" (بوبک، ۱۳۹۰ الف، ۴۱-۴۳).

با این وجود، بوبک اذعان دارد که "سرمایه‌داری بهره‌بری در یکصد سال اخیر، یعنی به هنگام تقابل با نظام صنعتی و نوین‌سازی و تجدد مشرق زمین، به شرایط خشن و نامساعدی منتهی شده است: کاهش دستمزدها در صنایع دستی سنتی در شهر، افول صنایع خانگی روستایی، غصب اراضی توسط اربابان زمیندار و وام‌دهندگان شهری و از این طریق، شکل‌گیری مالکیت‌های بزرگ اربابی، استثمار اقتصادی بی‌رحمانه عشایر توسط خانهای بانفوذ، از جمله عواقب این روند بوده، به نحوی که فرایند تکوین آن طی دوره تجدد نمایانگر چهره‌ای دوگانه شده است" (همو، همان، ۳۹).

هانس بوبک در پاسخ به منتقدان نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری که هم از سوی مارکسیستها و هم دیدگاه لیبرالی، با تاکید بر دیرپایی و دوام این روابط به شکلهای متفاوت، علیرغم تغییرات و دگرگونیهای زمانی، به توضیحاتی پرداخته (همو، ۱۳۹۰ ب) و نتیجه می‌گیرد، "به سختی می‌توان از طریق قوانین و مقررات علیه روابط ریشه‌دار کهن که چنین طبیعی جلوه می‌کنند و در شیوه زندگی یک جامعه ریشه دوانده‌اند، اقدام موثری انجام داد. این رسوم هنگامی از میان برخواهد خاست که یک روح اقتصادی، یعنی یک شیوه جدید زندگی تمامیت جامعه را فراگیرد" (همو، همان، ۶۷). در همین راستا، اکارت اهلرس ضمن تایید اصول کلی این نظریه، با استناد تاریخی به شیوه مالکیت عوامل اصلی تولید در ایران، آن را با شیوه تولید فئودالی در اروپا کاملاً متفاوت دانسته، این گونه صورت‌بندی اجتماعی - اقتصادی را با تاکید بر سرشت انگلی شهرها (اهلرس، ۱۳۹۰، ۱۴-۱۵، ۱۷) و تکیه بر ۳ ویژگی زیر بسط داده است:

الف- پیوند تنگاتنگ جاکمیت و شهر؛

ب- بازرگانی شهری بر اساس عواید حاصل از بهره مالکانه تولیدات روستایی؛ و

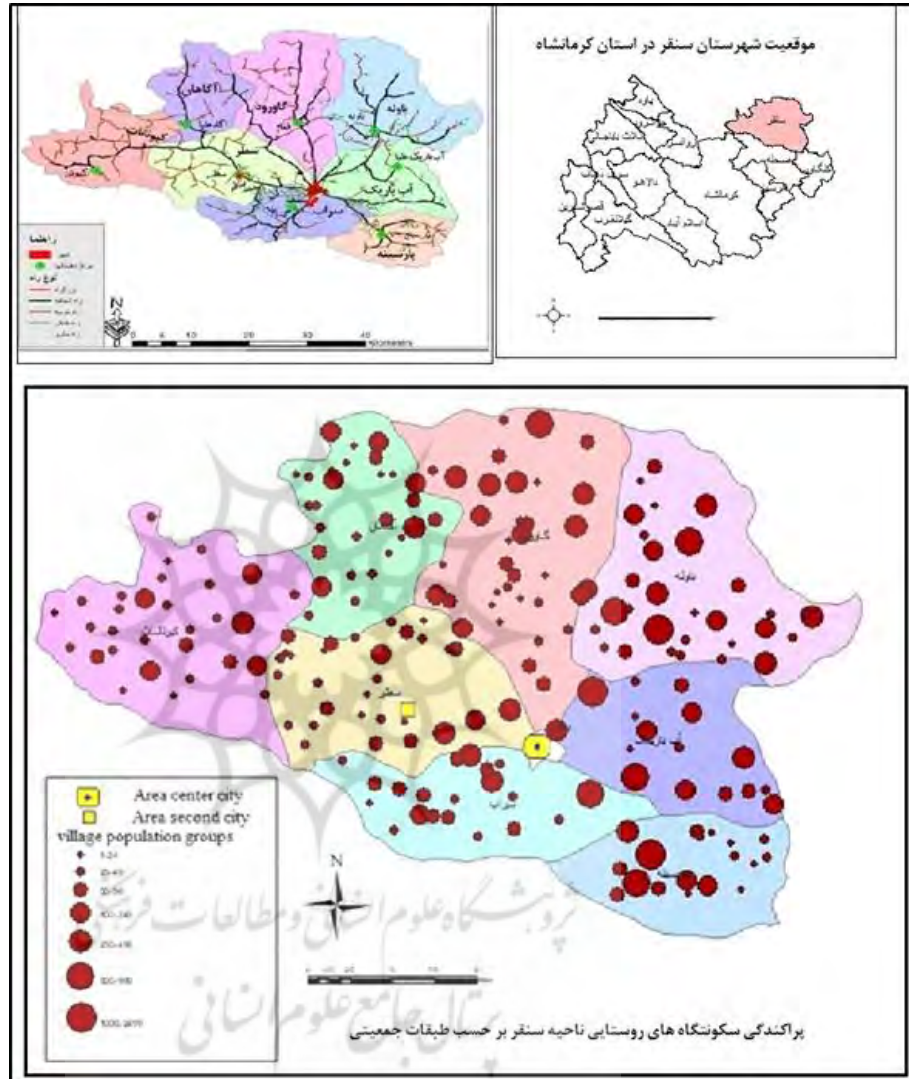
ج- آمادگی ناچیز زمینداران بزرگ برای سرمایه‌گذاری تولیدی (همو، ۱۳۸۰، ۲۴۹-۲۵۰؛ ضمنا نک: سعیدی، ۱۳۹۰، ۸۱-۸۰).

آنچه دیدگاه اهلرس را در این زمینه برجسته می‌سازد، تاکید او بر جایگاه شهرهای کوچک و میانی و کارکرد آنها در زمینه صنایع خانگی و کارگاههای کوچک، شامل فعالیتهای تولیدی مرتبط با کوزه‌گری، ظروف مسی، پارچه‌بافی، روسری دوزی و بالاخص، قالیبافی است. او در این باره توضیح می‌دهد که "تحلیل روابط کهن و نوین شهر و روستا در ایران، آنجا که پژوهشها ترجیحا در باره مراکز شهری کوچک و متوسط به انجام می‌رسد، بهتر می‌تواند گویای این نقطه‌نظرات باشد، تا ساختارهای شهری بزرگ که پیچیده‌تر و کمتر قابل مشاهده است (همو، ۱۳۹۰، ۲۴-۲۵).

ویژگیهای ناحیه مورد بررسی

شهرستان سنقر یکی از شهرستانهای چهارده‌گانه استان کرمانشاه، در شمال غربی این استان قرار دارد و از ۲ بخش، ۲ شهر و ۸ دهستان تشکیل شده است (سالنامه آماری، ۱۳۹۸، ۳۵-۳۶، ۳۸، ۴۶). این ناحیه با مساحتی برابر ۲۳۰۸/۲

کیلومترمربع، ۹/۲٪ از مساحت استان را تشکیل می‌دهد و از این لحاظ، بعد از شهرستانهای کرمانشاه و گیلانغرب، سومین شهرستان بزرگ استان بشمار می‌رود(همان، ۳۶-۳۷). ناحیه سنقر دارای ۲ شهر(سنقر به عنوان مرکز ناحیه و) و ۲۱۱ آبادی است که ۸/۱٪ از آبادیهای دارای سکنه استان را شامل می‌گردد؛ بیش از نیمی از این آبادیها(۵۷/۵٪) در بخش مرکزی و پیرامون شهر سنقر قرار دارند(همان، ۵۳، ۵۵). بر اساس آخرین سرشماری عمومی(۱۳۹۵)، جمعیت این ناحیه برابر ۸۱۶۶۱ تن(۲۵۵۵۴ خانوار)، یعنی حدود ۴/۲٪ جمعیت کل استان است که ۵/۵٪ آن جمعیت شهری و ۴۴/۵٪ از آن، روستایی بحساب می‌آید(همان، ۱۲۵-۱۲۶).



نمودار شماره ۱: تقسیمات سیاسی ناحیه سنقر، ماخذ: سالنامه آماری استان، ۱۳۹۸

جدول شماره ۱: رده‌بندی جمعیتی سکونتگاههای روستایی ناحیه سنقر به تفکیک بخش و دهستان

تعداد روستاها بر اساس رده بندی جمعیت(نفر)							تعداد خانوار	تعداد جمعیت(نفر)	تعداد روستا	مجموعه(دهستان)	بخش
۱۰۰۰-	۵۰۰-	۲۵۰-	۱۰۰-	۵۰-	۲۵-	۱-					
۲۴۹۹	۹۹۹	۴۹۹	۲۴۹	۹۹	۴۹	۲۴	۱۵۲۸	۵۶۰۵	۱۸	آب باریک	مرکزی
۱	۱	۶	۵	۳	۰	۲	۲۳۰۶	۹۰۵۹	۳۳	پارسینه	مرکزی
۱	۲	۹	۱۲	۷	۱	۱	۱۵۴۵	۵۴۷۸	۱۵	پارسینه	مرکزی

مرکزی	سراب	۲۳	۵۴۵۷	۱۵۲۳	۱	۰	۴	۱۲	۳	۳	۰
مرکزی	گاورود	۳۲	۷۷۱۹	۲۲۱۰	۰	۲	۶	۱۳	۹	۲	۰
کلیایی	سطر	۳۰	۴۱۶۰	۱۱۴۷	۳	۳	۷	۱۴	۳	۰	۰
کلیایی	آگاهان	۳۰	۴۱۸۹	۱۲۵۱	۳	۲	۱۱	۹	۵	۰	۰
کلیایی	کیونانات	۳۰	۴۰۵۱	۱۱۶۲	۱	۱	۱۰	۱۴	۳	۱	۰

ماخذ: شناسنامه آبدیهای استان کرمانشاه، ۱۳۹۵

یافته‌های پژوهش

بافت فرش نخست؛ به منظور رفع نیاز اولیه در جوامع مختلف یکجانشین و کوچندگان در سرزمین های گوناگون صورت گرفته است. ابزار تولید در جوامع به روش های مختلف از محیط طبیعی و مواد در دسترس تهیه می گردید. با توسعه ارتباطات و تحول در روابط؛ ابزار تولید فرش دستباف نیز از طریق روابط درون و برون سرزمینی دچار تغییر شده است. با توسعه علوم در زمینه تولید مواد اولیه این هنر - صنعت و مکانیزه شدن تولیدات در کشورهای مختلف از یک سو؛ و ناتوانی در تأمین و تولید مواد اولیه مورد نیاز در نواحی تولید کننده فرش دستباف در کشور از دیگر سو، موجب واردات مواد خام شده است. در ناحیه سنقر با وجود سابقه ای طولانی در فعالیت تولید و بافت فرش دستباف، مواد اولیه و مورد نیاز از طریق واردات از استان ها و کشورهای دیگر تأمین می شود. از جمله مواد خام مورد نیاز تولید فرش دستباف در ناحیه می توان به: پنبه، پشم، ابریشم و ابزار بافت اشاره کرد، که بیش از ۹۵ درصد آنها از خارج از ناحیه تأمین می گردد. تنها بخش کوچکی از پشم مورد نیاز، نقشه ها و دارهای قالی که به صورت سنتی تهیه می شود، در ناحیه سنقر تأمین می گردد؛ با توجه به ارتباط ناحیه با مرکز کشور (شهر تهران) بیشتر مواد اولیه از آنجا تهیه می شود. در سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵، تعداد ۹ باب مغازه فروش ابزار و مواد مورد نیاز فرش دستباف در شهر سنقر دایر بوده اند، اما در سال ۱۳۹۹ تنها یک مغازه دایر است که با توجه به روند فعالیت تولید فرش در ناحیه؛ در حال تغییر نوع فعالیت است. از سال ۱۳۸۰ که اولین شرکت های تولیدکننده فرش دستباف به صورت نیمه صنعتی فعالیت خود را در ناحیه آغاز نموده اند، بازار مواد خام و ابزار تولید فرش را نیز در دست گرفته اند.

جدول شماره ۲: مواد و ابزار تولید فرش دستباف در ناحیه سنقر

مواد و ابزار	توضیحات	قیمت (۱۳۹۹)
دار بافت فرش	انواع مختلفی از دارها مورد استفاده قرار می گیرد؛ در ابتدا از دارهای چوبی استفاده می شد؛ که از معایب آن شکستگی حین بافت و کج شدن دار به مرور زمان و به هم زدن ابعاد فرش در حین بافت، باعث شد دارهای فلزی مورد استفاده قرار گیرد.	قیمت دار قالی بسته به مقدار آهن به کار رفته متفاوت هست، اما قیمت اجاره ۴ ماهه ۵۰۰۰۰۰۰ ریال است.
چوب گرد	چوب گرد در روش سنتی مورد استفاده قرار می گرفت. که چوبی استوانه ای به ضخامت قطر ۱۰ سانتی متر و طول آن به اندازه عرض دار فرش تعیین می شد. برای مجزا نمودن تارهای زیر و رو در کار بافت فرش کاربرد داشته است.	به دلیل عدم استفاده در فرش های نیمه صنعتی؛ دیگر کاربرد ندارد.
چوب هاف	چوبی صاف و مستطیلی به قطر ۸ تا ۱۰ سانتی متر و طول آن برابر با عرض دار فرش تعیین می شود که در روش سنتی مورد استفاده قرار می گرفت. به منظور مجزا نمودن تارهای زیر و رو در بودکشی و گره زدن در حین بافت کاربرد دارد.	به دلیل عدم استفاده در فرش های نیمه صنعتی؛ دیگر کاربرد ندارد.
انواع نقشه	نقشه ها در روش سنتی بر روی کاغذ های شطرنجی با دست ترسیم می شد؛ اما با توسعه استفاده از رایانه ها و نرم افزار های مختلف، با کیفیت های متفاوت با چاپگرهای رنگی در ابعاد گوناگون تا سال ۱۳۸۵ چاپ می شدند. با ورود فرش های نیمه صنعتی دیگر نیاز به چاپ نقشه به صورت تصاویر نبود و نقشه های جدید بر روی کاغذهای A4 و به صورت اعداد ریاضی چاپ می	قیمت نقشه ها با توجه به نوع طرح و تعداد صفحات کاغذی که برای چاپ استفاده می شوند متفاوت هست. هر چه تعداد رج های فرش بیشتر باشد تعداد برگ کاغذ بیشتری مورد استفاده

	شوند.	قرار گرفته و قیمت نقشه نیز بالاتر می رود.
کارد	چاقوی فلزی و تیزی است که در بافت فرش به روش سنتی مورد استفاده قرار می گرفت.	به دلیل عدم استفاده در فرش های نیمه صنعتی؛ دیگر کاربرد ندارد.
قلاب	قلاب برای گره زدن و پاره کردن نخ در حین بافت استفاده می شود. در روش سنتی از کارد برای پاره کردن نخ استفاده می کردند و کار گره با دست انجام می شد، اما به دلیل اثرات منفی گره با دست؛ وسیله قلاب را که از سر آن برای برداشتن تارهای چله و گره زدن و از قسمت زیرین برای پاره کردن نخ استفاده می شود، به کار گرفته شد.	قیمت قلاب بسته به اندازه آن از ۹۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰۰ ریال متفاوت است و معمولاً از شهر های همدان و تبریز به ناحیه سنقر می آورند. البته قلاب های تبریز کیفیت بالاتری داشته و مشتری بیشتری دارند.
دفعه	دفعه را به نام های مختلف در ناحیه می شناسند، به آن کرکیت و دفعتین نیز می گویند. در بافت فرش به منظور محکم کردن پودها و گره ها از آن استفاده می شود. در هر دو روش سنتی و نیمه صنعتی مورد استفاده قرار می گیرد.	۳۰۰۰۰۰ ریال
شانه	شانه برای صاف و تمیز کردن بافت در روش سنتی بعد از پودکشی و مرحله قیچی زدن استفاده می شود. البته شانه نیز در روش بافت سنتی مورد استفاده قرار می گرفت و به نام قشو نیز در ناحیه سنقر شناخته شده بود.	به دلیل عدم استفاده در فرش های نیمه صنعتی؛ دیگر کاربرد ندارد.
سیخ پودکشی	وسيله ای فلزی است که یک سر آن قلاب دارد و سر دیگر سوراخی در مرکز آن هست و به ابعاد ۵۰ و ۱۰۰ سانتی متری در بازار موجود است. البته ۵۰ سانتی متری کاربرد بیشتری دارد. به منظور پودکشی، گلیم بافی و پرچم زنی ابتدا و انتهای فرش کاربرد دارد.	۲۰۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰۰ ریال
شیلنگ	شیلنگ در فرش بافی به روش سنتی کاربرد نداشته است؛ اما در روش نیمه صنعتی و در دارهای چله کشی شده با دستگاه؛ کار چوب های گرد و هاف را انجام می دهد زیرا در دارهای قالی نیمه صنعتی چوب های گرد و هاف را حذف نموده اند.	بسته به انواع اندازه دار فرش قیمت آن متفاوت است؛ اما معمولاً از شیلنگ های سفید استفاده می گردد.
قیچی	قیچی اندازه ها و مدل های مختلفی دارد و برای کوتاه کردن طول گره ها بعد از شانه زدن استفاده می گردد. قیچی در روش سنتی کاربرد داشته است و در روش بافت نیمه صنعتی کاربرد ندارد.	به دلیل عدم استفاده در فرش های نیمه صنعتی؛ دیگر کاربرد ندارد.
آئینه	در بافت سنتی برای این که بافته از مرتب بودن و پودکشی درست فرش آگاهی یابد، برای مشاهده پشت بافت از آئینه استفاده می کرد. در روش نیمه صنعتی دیگر نیازی به آن نیست.	به دلیل عدم استفاده در فرش های نیمه صنعتی؛ دیگر کاربرد ندارد.
نخ ابریشم	نخ ابریشم در دو حالت مورد استفاده قرار می گیرد؛ چله کشی و بافت. استفاده از ابریشم در فرش دستباف به منظور بالا بردن قیمت کار است. در فرش هایی که در ناحیه سنقر بافته می شوند در فرش های زیرپایی بیشتر ابریشم در بافت استفاده می شود، اما در تابلو فرش ها ابریشم در چله و همچنین چند رنگ از بافت را نیز به منظور زیبایی در کار؛ ابریشم انتخاب می کنند.	کیلویی ۲۲۰۰۰۰۰ ریال
نخ پنبه ای	نخ پنبه ای برای چله کشی، و به عنوان پود در کار تولید فرش دستباف استفاده می شود.	کیلویی ۷۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال
انواع پشم	پشم را معمولاً به صورت سفید و رنگی در بازار به فروش می رسانند و معمولاً در کار بافت از آن استفاده می شود. پشم مرینوس مرغوبیت بیشتری دارد و بیشتر در تابلوفرش استفاده می گردد. کرک در فرش های زیرپایی بیشتر استفاده می گردد. پشم گوسفند ناحیه یا همان خامه معمولاً در فرش زیرپایی استفاده شده و به روش سنتی بافته می شود.	قیمت انواع پشم بسته به نوع و رنگ آن ها متفاوت است. قیمت پشم سفید بیشتر از پشم رنگی است. پشم سفید ۱۲۰۰۰۰۰ ریال و پشم رنگی ۷۰۰۰۰۰ ریال به فروش می رسد.

تولید فرش دستباف مستلزم همکاری عوامل و نیروهایی است که به نوعی از این فعالیت سود می برند. معمولاً بسته به نوع بافت و همچنین موقعیت ناحیه، عوامل مختلفی در این فعالیت و هنر-صنعت دخیل هستند. در ناحیه سنقر عوامل تولید به شرح جدول ۳ است:

جدول شماره ۳: عوامل و نهادهای تولید فرش در ناحیه سنقر

عامل تولید	نوع فعالیت
نیروی کار	نیروی کار به عنوان مهم ترین عامل در تولید فرش دستباف شناخته شده است. هر جایی که نیروی کار مازاد در دیگر بخش ها و فعالیت های اقتصادی وجود داشته باشد معمولاً فعالیت تولید فرش دستباف صورت می گیرد.
اداره جهاد کشاورزی	اداره جهاد سازندگی سابق که هم اکنون با نام جهاد کشاورزی شناخته می شود از سال ۱۳۷۵ به طور مستمر به آموزش و تولید فرش دستباف در ناحیه اقدام نموده است.
سازمان فنی و حرفه ای	این سازمان با هدف خوداشتغالی و بالا بردن سطح اشتغال و کاهش بیکاری اقدام به آموزش نیروی جوان از سال ۱۳۷۵ در ناحیه را نموده است.
شرکت فرش ناحیه	شرکت فرش ناحیه با هدف افزایش تولید و گسترش صادرات فرش دستباف ناحیه سنقر به روش سنتی فعالیت دارد و از فرش های نیمه صنعتی و تابلو فرش ها و فرش های زیرپایی با نقوشی غیر طرح هایی که در جهان با برند سنقر شناخته شده هستند، حمایت نمی کند.
شرکت های خصوصی تولید فرش	شرکت های خصوصی تولید فرش با هدف کسب سود در هر دو نوع روش سنتی و روش نیمه صنعتی فعالیت دارند. البته بیشتر علاقمند به فرش های نیمه صنعتی هستند.
اداره صنعت، معدن و تجارت	این اداره در جهت ثبت شرکت های تولید فرش دستباف و اقدامات اداری آن و همچنین ثبت آمار مربوط به بافندگان و تولید کنندگان فعالیت دارد.
بنیاد مستضعفان	این بنیاد از سال ۱۳۶۸ فعالیت گسترده خود را در زمینه آموزش، تولید، تهیه ملزومات لازم برای بافت، خرید فرش های بافته شده بافندگان روستایی و همچنین صادرات فرش دستباف فعالیت دارد.
اداره میراث فرهنگی و صنایع دستی	این اداره با هدف حفظ ارزش ها و میراث کهن سرزمینی، اقدام به ثبت طرح ها و نقشه های بافته شده در ناحیه و تهیه برندهای جهانی برای فرش دستباف ناحیه سنقر نموده است.
شرکت های بیمه	شرکت های مختلف بیمه به منظور تشویق بافندگان به فعالیت تولید فرش دستباف، اقدامات و تبلیغات مختلفی در جهت بیمه بافندگان و دارهای قالی آن ها نموده اند.

ماخذ: یافته های پژوهش، ۱۳۹۹

بر اساس مطالعات انجام گرفته و پژوهش های میدانی؛ آمار دقیقی از تعداد شرکت های تولید فرش دستباف وجود ندارد، بر اساس آمار رسمی، در سالنامه آماری ۱۳۹۸ استان کرمانشاه؛ از ۲۲ شرکت تعاونی فعال صنعتی ثبت شده، تعداد ۶ شرکت در زمینه تولید فرش دستباف در ناحیه سنقر فعالیت دارند (جدول ۴)، اما با مطالعات میدانی در سطح شهر سنقر و روستاها، ۱۶ شرکت در زمینه تولید فرش دستباف فعالیت داشتند؛ در طی مصاحبه های انجام گرفته با برخی از مسئولین و اعضای شرکت های تولید فرش دستباف و بافندگان مشخص شد؛ که دلیل این اختلاف آماری؛ مشکلات در روند اداری ثبت شرکت ها و تنظیم قراردادها با سازمان های مربوطه است.

جدول شماره ۴: مشخصات عمومی شرکتهای تعاونی فعال صنعتی و فرش دستباف در ناحیه سنقر

تعداد	اعضاء	شاغلان	سرمایه (میلیون ریال)
۲۲	۱۶۱	۱۲۸	۵۴۶۳
۶	۴۲	۸۱	۴۷

ماخذ: سالنامه آماری استان کرمانشاه، ۱۳۹۸

در مطالعات میدانی صورت گرفته، شرکت های تولید فرش دستباف، به دلایل گوناگون: فرار از مالیات، بحث بیمه اعضاء و بافندگان، رقابت با سایر شرکت ها و ... اطلاعات خود را محرمانه دانسته و در مصاحبه ها شرط احتیاط را رعایت می نمودند، در جدول ۵ مشخصات تعدادی از دارهای فرش دستباف ذکر شده است. همان گونه که در جدول مشاهده می شود؛ مزد بافت فرش در طی سال های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ نسبت به دیگر اقلام و تولیدات در بازار افزایش قابل توجهی نداشته است.

جدول شماره ۵: برخی مشخصات تولید فرشهای دستباف طی سالهای ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹

تعداد گره	تعداد لای (رج)	تعداد رنگ	دستمزد سال ۱۳۹۷ (ریال)	دستمزد سال ۱۳۹۹ (ریال)
۲۵۰	۳۲۰	۸۰	۲۰۰۰۰۰۰	۲۸۰۰۰۰۰
۵۳۰	۳۵۰	۱۲۰	۵۰۰۰۰۰۰	۶۸۰۰۰۰۰
۶۶۰	۴۱۰	۱۴۵	۵۰۰۰۰۰۰	۷۶۰۰۰۰۰
۷۴۰	۵۴۰	۷۰	۱۵۲۰۰۰۰۰	۱۹۰۰۰۰۰۰
۷۵۰	۵۰۵	۱۴۴	۱۴۰۰۰۰۰۰	۱۷۴۰۰۰۰۰
۷۵۰	۵۲۰	۱۴۴	۱۴۵۰۰۰۰۰	۱۸۳۰۰۰۰۰
۸۰۰	۵۶۰	۱۴۴	۱۷۰۰۰۰۰۰	۲۲۰۰۰۰۰۰

ماخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

در روند مطالعات میدانی ناحیه سنقر، با حضور در شرکت های تولید فرش و همچنین رعایت نکات امنیتی و احترام به حقوق اجتماعی، با ۶۵ نفر از بافندگان فرش مصاحبه انجام گردید، که از این تعداد ۱۲ نفر را مردان و ۵۳ نفر را نیز زنان تشکیل می دادند. نتایج پژوهش در جدول ۵، ارائه شده است. بنابر وضعیت فرهنگی ناحیه سنقر. بیشتر کار بافت فرش را زنان انجام می دهند و مردان معمولاً در کارهای جانبی تولید فرش مانند: حمل و نقل، تأمین لوازم مورد نیاز، در فرش های سنتی؛ چله کشی و گردبافی و ... فعالیت دارند.

جدول شماره ۶: برخی نتایج حاصل از مصاحبه با بافندگان فرش دستباف در ناحیه سنقر

تعداد یافته (نفر)	ابعاد
۴۸	وضعیت سکونت
۱۷	ساکن در شهر
۳۱	ساکن در روستا
۴۲	تحصیلات
۲۳	دیپلم
۱۹	دارای مدرک دانشگاهی
۱۹	وضعیت تأهل
۴۶	متاهل
۴۱	نوع مسکن
۲۴	شخصی
۲۴	استیجاری
۵۳	جنسیت
۱۲	زن
۱۲	مرد
۲۳	انگیزه بافت فرش
۲۳	کسب درآمد شخصی و استقلال مالی
۳۰	کمک به خانواده در تأمین مخارج زندگی
۷	تفریح و علاقه به کار هنری فرش بافی
۵	مشکلات روانشناسی و عاطفی (بنابر توصیه پزشک)

ماخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

در بازدیدهای میدانی از شرکت های تولید فرش دستباف؛ ۶۵ بافنده ای که در جدول ۵ مشخصات آن ها ذکر شد ۱۷ نفر از روستاهای ناحیه مراجعه کرده بودند. جدول ۶ مشخصات ۱۷ سکونتگاه روستایی را بیان می کند. ملاحظه می شود که بعد مسافتی که مراجعه کنندگان برای دریافت دار قالی و بافت فرش طی نموده اند، از ۳ تا ۴۴ کیلومتر متفاوت است. همچنین از هر ۸ مجموعه روستایی، در رده های جمعیتی مختلف مراجعات صورت گرفته است.

بحث و تحلیل

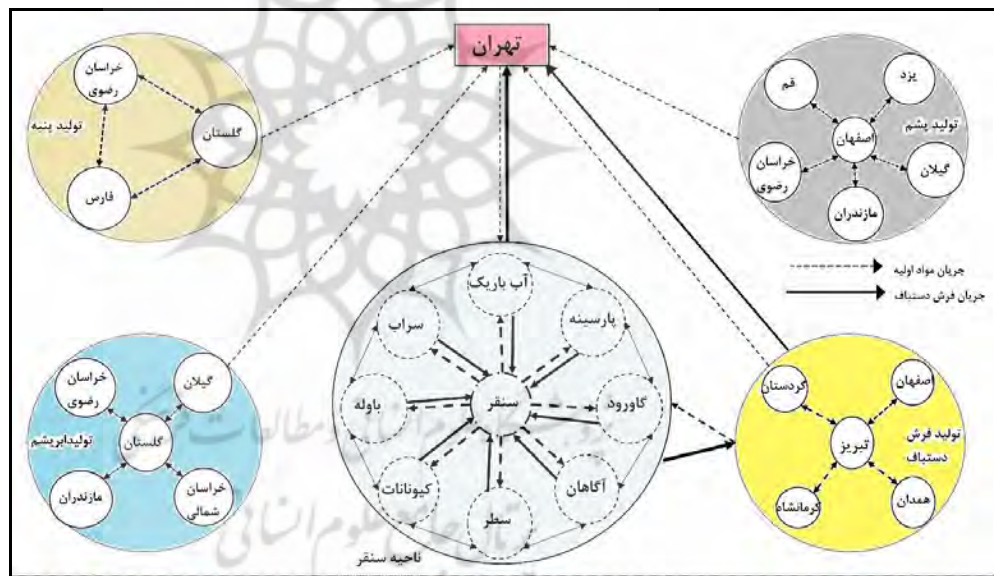
روابط شهر و روستا برای درک مسائل کلیدی توسعه سرزمینی و تدوین سیاستهای مؤثر برای پرداختن به آنها، بعد قابل توجهی را به وجود می آورد. باید روابط روستایی و شهری به گونه ای تقویت شود که هم به نفع جمعیت شهری و هم روستایی باشد (داودی و استید، ۲۰۰۲، ۸). طی دهه های اخیر به دلیل تغییرات در روابط و مناسبات ما بین شهرها و روستاها در روابط سنتی کارکرد اجتماعی - اقتصادی این جوامع نیز دگرگونی هایی پدیدار گشته است. در این پژوهش روابط و مناسبات روستا و شهر در ارتباط با کارکرد اجتماعی - اقتصادی تولید فرش دستباف بر پایه تئوری سرمایه داری بهره بری طی سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۹ در ناحیه سنقر مورد کنکاش قرار گرفته است. بر همین اساس روابط و مناسبات روستا و شهر در ناحیه در دو مرحله تولید فرش به صورت سنتی و نیمه صنعتی به تفکیک مورد تحلیل قرار می گیرد:

الف: روابط و مناسبات روستا و شهر در تولید فرش دستباف به صورت سنتی

از آغاز زندگی بر گستره زمین خاکی، نیاز به زیرانداز با عناوین مختلف، انسان را بر آن داشت تا با اندیشه، فکر و نبوغ خود از محیط زیست در جهت رفع نیاز، آسایش و رفاه جسمانی بهره گیرد. در طی سالیان متمادی تولید فرش با ابزار ساده و ابتدایی در دسترس صورت گرفته است. در ناحیه سنقر با توجه به موقعیت جغرافیایی خاص خود (آب و هوای خنک و کوهستانی) و دامداری هم پای تولیدات کشاورزی، جوامع انسانی ساکن در سکونتگاه های روستایی و شهری را تشویق به روی آوری به تولید صنایع دستی نموده است. با توجه به نوع روابط حاکم بر سکونتگاه های روستایی و شهری در ناحیه سنقر و فصل مشخص برای کار کشاورزی، ساکنان روستاها همواره در فصول پاییز و زمستان به تولید فرش اشتغال داشته و در فصل بهار و تابستان در مزارع و باغ ها به کار کشاورزی پرداخته اند. اما در شهر سنقر بنابر نوع فعالیت اقتصادی حاکم، در تمام فصول سال کار تولید فرش صورت می گرفته است. نتایج حاصل از مطالعات میدانی بیانگر تولید گسترده فرش به روش سنتی طی سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۸ است. در روش سنتی تولید فرش، بافنده نیاز به سواد نداشته و با توجه به نقشه های سنتی که بر روی کاغذهای شطرنجی طراحی می شد کار بافت با دست و چاقوی ساده صورت می گرفت. بافندگان به صورت موروثی کار تولید فرش را از کودکی آموزش می دیدند. از سال ۱۳۶۸ بنیاد مستضعفان با هدف محرومیت زدایی و ایجاد اشتغال در نواحی محروم؛ در ناحیه سنقر برنامه های مختلفی در زمینه تولید فرش دستباف انجام داد: با اعطای وام به منظور خرید ابزار تولید فرش دستباف، پیش خرید فرش های نیمه بافته، تهیه ابزار و مواد مورد نیاز بافت فرش، آموزش محرومان و نیازمندان و تشویق آنها به بافت فرش، صادرات فرش دستباف در بازارهای جهانی و ... اقدام نمود. سال ۱۳۷۵ سازمان جهاد سازندگی سابق (اداره جهاد کشاورزی) به آموزش و تولید فرش دستباف در شهر و روستاهای ناحیه سنقر به صورت رایگان و به منظور خوداشتغالی جوامع محروم اقدام نمود. در همان سال ها و به منظور حمایت و اشتغال زنان؛ سازمان فنی و حرفه ای نیز اقدام به آموزش رایگان بافت فرش نموده و با برگزاری آزمون و اعطای گواهی مهارت فرش بافی در جهت جذب و علاقمند نمودن زنان به بافت فرش به روش سنتی گام مهمی در تحول تولید فرش ناحیه برداشت. از سال ۱۳۸۰ با توجه به تغییر در برنامه های دولت و تحول بخش خصوصی، آموزش های رایگان تولید فرش در سکونتگاه های شهری و روستایی حذف شده و تمامی آموزش ها به شرکت ها و آموزشگاه های خصوصی تولید فرش واگذار شد. با روی کار آمدن بخش خصوصی روند تولید فرش دستباف به روش سنتی کمرنگ شده و بافت فرش به صورت نیمه

صنعتی رونق گرفت. در مبحث روابط روستا و شهر در تولید سنتی فرش ذکر این نکته لازم است؛ که تمامی تولیدات فرش در سکونتگاه های روستایی و شهری ناحیه به وسیله دلانان به مراکز بزرگ شهری در کرمانشاه، همدان، سنندج، اصفهان، تبریز و تهران راه می یافت. بافندگان مزد اندکی دریافت می کردند و بیشتر سود حاصل از بافت و فروش فرش به مالکان و دلانان تعلق می گرفت. هرچند هنوز هم به صورت محدود این روند تولید فرش به روش سنتی در بعضی سکونتگاه های روستایی و خانوارهای محروم شهری مشاهده می شود، ولی تولید فرش دستباف در حال حاضر دچار تحول شده و به صورت نیمه صنعتی تولید می گردد.

ب: روابط و مناسبات روستا و شهر در تولید فرش دستباف به صورت نیمه صنعتی با تحول و پیشرفت در علوم مختلف، تولید فرش نیز دچار دگرگونی هایی گردید. از یک سو طراحی و برنامه ریزی تولید نیاز به سطح تحصیلات دانشگاهی و آموزش عالی را بیشتر کرده و از دیگر سو با توسعه نقشه ها و طرح های کامپیوتری کار تولید فرش نیاز بافندگان با سطح تحصیلات حداقل دیپلم و دانشگاهی را افزایش داده است. این روند زمینه ای شد تا شرکت های تولید کننده فرش دستباف بتوانند سود سرشاری را نصیب خود سازند به گونه ای که هم در امر آموزش به بافندگان هزینه ای دریافت کنند و هم بعد از آموزش با اجاره ی دارهای فرش به صورت دستمزدی بهره مضائف ببرند. روش بافت نیمه صنعتی موجب گسترش روابط و مناسبات بین روستا و شهر در دو بعد درون ناحیه ای و فرا ناحیه ای شده است، در بعد درون ناحیه ای بافندگان روستایی با مراجعه با شرکت های تولید کننده فرش اقدام به اجاره دار و ابزار فرش بافی نموده و بعد از اتمام کار بافت فرش با دریافت دستمزد و خرید مایحتاج در سطح شهر سود حاصله را به شهرها باز می گردانند.



نمودار شماره ۲: روابط شهری- روستایی در روند تولید و عرضه فرش در ناحیه سنقر، مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۳۹۹

در بعد فرانا حیه ای روابط و مناسبات با سایر استان ها و حتی کشورهای دیگر گسترش یافته است. تأمین مواد اولیه تولید فرش و همچنین بازاری برای فروش محصولات، شرکت های تولیدکننده فرش دستباف را مجبور به ارتباط با استان ها و کشورهای دیگر نموده است. بر اساس مطالعات صورت گرفته بیشتر «ابریشم» مورد نیاز از استان های گیلان، خراسان رضوی، گلستان، خراسان شمالی و مازندران تأمین می گردد و مابقی آن از کشورهای: آلمان، چین، هندوستان، امارات متحده عربی، ژاپن، ازبکستان، ویتنام، برزیل، اسپانیا، فرانسه و ایتالیا انجام می شود. «پیشم» مورد نیاز از استان های یزد، گیلان، قم، خراسان رضوی، مازندران و اصفهان و مابقی آن از کشورهای آلمان، زلاندنو، استرالیا،

پاکستان، چین، ترکیه، تایوان، ترکمنستان و اروگوئه تأمین می گردد. «پنبه» نیز از استان های خراسان رضوی، فارس و گلستان و کمبود آن از کشور ترکیه تهیه می شود. روابط شرکت های تولیدکننده فرش دستباف با استان های: آذربایجان شرقی (تبریز)، اصفهان، کردستان، کرمانشاه و همدان به صورت مستقیم و ارتباط پیچیده با شهر تهران موجب شکل گیری روابط و مناسبات در سطح برون ناحیه ای گردیده است. تصویر ۲ ترسیمی از روابط و مناسبات روستا و شهر در ناحیه سنقر از بعد درون و برون ناحیه ای در سطح کشور است. خطوط منفصل نشان دهنده جریان مواد اولیه تولید و خطوط متصل نمایانگر جریان محصول نهایی تولید شده (فرش دستباف) است.

روند تولید فرش دستباف در ناحیه با توجه به روابط و مناسبات فرانشیه ای و تجارت با بازارهای جهانی همواره دستخوش تغییرات بوده است. بررسی های انجام گرفته نمایانگر کاهش نسبی تولید فرش، طی دو دوره بافت فرش به صورت سنتی و نیمه صنعتی، در ناحیه مورد مطالعه، بالاخص در طی سال های ۱۳۹۸ تا پایان سال ۱۳۹۹ است. دلایل متفاوتی که برای این کاهش تولید، توسط بافندگان، مسئولین و اعضاء در شرکت های تولیدی و همچنین دلالتان بازار فرش مطرح شده است، که در ادامه ارائه می گردد:

- یکنواختی در طرح ها و بافت های فرش و عدم تنوع در طرح ها؛
- استفاده از ابریشم در چله کشی و بالا بردن هزینه فرش تمام شده بدون تأثیر در دوام و کیفیت فرش دستباف؛
- تغییر سلیقه جهانی در خرید و استفاده از فرش دستباف، و استفاده و جایگزین کردن محصولات متنوع از کشورهای دیگر؛
- قیمت بالای فرش دستباف ایران نسبت به کشورهای دیگر از جمله: چین، پاکستان، نپال، افغانستان، هندوستان، مصر، ترکیه و ... (در این کشورها قیمت مواد اولیه و دستمزد بافندگان ثابت است؛ اما در ایران به دلایل نوسانات قیمت مواد اولیه؛ هزینه تمام شده فرش متغیر و بیشتر از کشورهای رقیب صادر کننده فرش می شود)؛
- عدم هماهنگی عوامل و مسئولین تولید فرش دستباف با بازارها در نمایشگاه های جهانی؛
- تحریم های صورت گرفته در بازارهای جهانی بر اقتصاد ایران و بالطبع کاهش صادرات فرش دستباف؛
- افزایش قیمت دلار و به تبع آن افزایش قیمت مواد خام وارداتی (قیمت ابریشم از کیلویی ۳۵۰۰۰۰۰ ریال در سال ۱۳۹۷ به کیلویی ۲۲۰۰۰۰۰۰ ریال در سال ۱۳۹۹ افزایش یافته است)؛
- بیماری کووید ۱۹ (کرونا) در جهان؛ و تبعات ناشی از آن؛
- افزایش مزد کارگران زراعی نسبت به مزد بافت فرش (مزد هر کارگر زراعی در روز از ۳۵۰۰۰۰ ریال در سال ۱۳۹۷ به ۱۰۰۰۰۰۰ ریال تا ۱۵۰۰۰۰۰ هزار ریال در سال ۱۳۹۹ افزایش داشت)؛
- آموزش مجازی دانش آموزان در اثر بیماری کووید ۱۹، و نیاز حضور مداوم و رسیدگی به بچه ها در منزل، یکی از دلایل مهم کاهش بافندگان اعلام شده است؛
- افزایش تولیدات صنایع دیگر در ناحیه؛ مانند: تولید پوشاک، تولیدات ساختمانی و ... و جذب نیروی کار در این صنایع؛
- تغییرات نوع بافت فرش از شیوه سنتی به شیوه نیمه صنعتی؛ و نیاز به داشتن سواد حداقل در سطح دیپلم برای بافت نیمه صنعتی.

جمع بندی و نتیجه گیری

مطالعه حاضر بر اساس نمونه موردی ناحیه سنقر در باره روابط و مناسبات روستا و شهر بر مبنای تئوری «سرمایه داری بهره بری» در بعد اجتماعی - اقتصادی تولید فرش دستباف پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می دهد که نه تنها روستاهای ناحیه بلکه، سکونتگاه های شهری کوچک و متوسط نیز با وجود ارتباطات گسترده در نظام جهانی،

همواره روابط و مناسبات نابرابر وجود داشته و نظام «سرمایه داری بهره بری» در روابط روستا و شهر حاکم است. طبق یافته های پژوهش در جوامعی که «نیروی کار» با دستمزد کمتر وجود داشته باشد، کسب و کار تولید فرش دستباف رونق بیشتری دارد. شهر سنقر در چارچوب کارکرد اجتماعی- اقتصادی با ساختاری سلسله مراتبی در تولید فرش دستباف؛ به عنوان واسطه و پل ارتباطی کلانشهرها با نواحی روستایی در روابط روستا و شهر در سطح ملی و فراملی نقش بارزی را ایفا می کند و در حالت سلطه جو نسبت به سکونتگاه های روستایی، زیر نفوذ و سیطره شهرهای بزرگ باعث تقویت توان اقتصادی شهرهای بزرگ و کلانشهرها می شود. در مطالعات صورت گرفته مشخص شد تولید فرش دستباف بین سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۹ به دو روش تولید و به بازار عرضه می شود. در روش اول؛ که مبتنی بر روش سنتی بافت است، هر بافنده بسته به توان مالی و اقتصادی خود محصول تولید شده را به بازار شهر به بهای ناچیز عرضه می کند. در روش دوم؛ تولید و عرضه فرش دستباف به صورت نیمه صنعتی و تحت تسلط شرکت های تولیدکننده فرش انجام می شود. صاحبان و مالکان اصلی شرکت های خصوصی فرش دستباف در ناحیه سنقر در شهرهای تهران، تبریز، سنندج و کرمانشاه ساکن بوده و به نوعی صاحبان غائب از محل تولید محسوب می شوند. مبنای این پژوهش بر اساس خصوصیات و کارکرد اجتماعی- اقتصادی تولید فرش دستباف به عنوان یکی از مهم ترین منابع کسب درآمد و معیشت ساکنان ناحیه حاکمیت روابط نابرابر روستا و شهر هم در بعد درون ناحیه ای (بین روستاها با شهرهای ناحیه و همچنین روستا با روستا و شهر با شهر) و هم بعد فرا ناحیه ای و حتی تجارت در بازارهای جهانی بر مبنای حاکمیت نظام «سرمایه داری بهره بری» را نشان می دهد. در چارچوب مطالعات صورت گرفته پیشنهادات زیر در جهت تحول و توسعه ناحیه ارائه می گردد:

- ایجاد کارگاه های تولید مواد اولیه (پشم) با توجه به توان طبیعی و جغرافیایی ناحیه؛
 - ایجاد بیمه های مناسب برای بافندگان و حمایت از تولیدات در مقیاس کوچک در سطح خانوار؛
- توسعه و پیوند دانش بومی با فناوری های مدرن از طریق آموزش های برنامه ریزی شده در سازمان های فنی و حرفه ای، اداره جهاد کشاورزی، آموزش و پرورش، اداره میراث فرهنگی و صنایع دستی، و دیگر سازمان های مرتبط.

منابع

۱. احمدی فر، الهام و کرمی دهکردی، اسماعیل (۱۳۹۵)، "دسترسی بافندگان فرش روستایی به نقشه فرش ابریشمی: مطالعه موردی در شهرستان زنجان" در: فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن علمی فرش ایران، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۱۹-۱۴۰؛
۲. افراخته، حسن؛ اسکندری ثانی، محمد؛ اسمعیل نژاد، مرتضی (۱۳۸۸)، "نقش قالیبافی در توسعه روستایی: مطالعه موردی کارگاه قالیبافی دهستان بالا ولایت کاشمر" در: فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره ۱، بهار، ۱۳۸۸، صص ۲۸-۱؛
۳. اهلرس، اکارت (۱۳۸۰ الف)، شهر، روستا، عشایر (مجموعه مقالات)، ترجمه عباس سعیدی، انتشارات منشی، تهران؛
۴. همو (۱۳۸۰ ب)، "سرمایه داری بهره‌بری و تکوین شهر در شرق اسلامی (نمونه ایران)" در "اهلرس، اکارت، شهر، روستا، عشایر...، صص ۲۲۱-۲۵۲؛
۵. همو (۱۳۹۰)، "روابط سنتی شهر و روستا در ایران" در: سعیدی، عباس روابط و پیوندهای روستایی - شهری در ایران، انتشارات مهرمینو، تهران، صص ۱۱-۳۲؛
۶. بویک، هانس (۱۳۹۰ الف)، "در باره مفهوم سرمایه داری بهره‌بری" در: سعیدی، عباس، روابط و پیوندهای روستایی - شهری در ایران، صص ۳۳-۵۰؛
۷. همو (۱۳۹۰ ب)، "سرمایه داری بهره‌بری و توسعه در ایران" در: سعیدی، عباس، روابط و پیوندها...، صص ۵۱-۷۰؛
۸. رنجبر، لیلا (۱۳۹۲)، بررسی بصری نقوش قالی سنقر، دانشکده هنر، موسسه آموزش عالی غیردولتی نبی اکرم (ص)، پایان نامه کارشناسی ارشد؛
۹. سالنامه آماری استان کرمانشاه (۱۳۹۸)، مرکز آمار ایران، تهران؛
۱۰. سعیدی، عباس (۱۳۸۲)، "روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی - شهری: یک بررسی ادراکی" در: فصلنامه جغرافیا، دوره جدید، سال دوم، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، صص ۱-۱۷ (تاریخ چاپ: ۱۳۸۴)؛
۱۱. همو (۱۳۸۹)، "محیط، فضا و توسعه: بحثی در ضرورت توسعه یکپارچه روستایی - شهری" در: مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۱، پاییز ۸۹، صص ۳-۱۲؛
۱۲. همو (۱۳۹۰)، "روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی - شهری" در: سعیدی، عباس، روابط و پیوندها...، صص ۷۱-۱۰۰؛
۱۳. همو (۱۳۹۲)، "پیوستگی توسعه روستایی - شهری در قالب منظومه‌های روستایی" در: فصلنامه برنامه‌ریزی کالبدی - فضایی، سال دوم، شماره ۴، پاییز ۹۲، صص ۱۱-۲۰؛
۱۴. همو (۱۳۹۹)، برنامه‌ریزی کالبدی - فضایی در راستای توسعه پایدار منظومه‌های روستایی - شهری، انتشارات بنیاد مسکن، تهران؛
۱۵. شایسته‌فر، مهناز (۱۳۸۳)، "هنر قالیبافی در سنقر کلیایی" در: کتاب ماه هنر، شماره ۷۷-۷۸، بهمن و اسفند ۱۳۸۳، صص ۹۶-۱۰۴؛
۱۶. شناسنامه آبادیهای استان کرمانشاه (۱۳۹۵)، مرکز آمار ایران، تهران؛
۱۷. صدری، مرداد (۱۳۸۴)، "مفاهیم نمادین در نقوش قالی سنقر" در: نشریه گلجام، دوره اول، شماره ۱، صص ۳۲-۴۱؛

۱۸. محمدی استادکلایه، امین و همکاران (۱۳۹۵) "شناخت و تحلیل عامل مؤثر بر رکود صنعت قالیبافی در نواحی روستایی از دیدگاه قالیبافان شهرستان گنبد کاوس" در: *دوفصلنامه علمی - پژوهشی انجمن علمی فرش ایران*، شماره ۳۰، پاییز و زمستان، صص ۶۷-۸۱

19. Bazin, Marcel(1973a), "Le travail du tapis dans la région de Qom(Iran central)", in: Bull. de la Société Languedocienne de Géographie, t. VII - 1973, fasc. 1, pp. 83-92;
20. Ibid(1973b), "Qom, ville de pèlerinage et centre regional" In: *Revue Géographique de l'Est*, tome 13, n°1-2, Janvier-juin(1973), Monde turco-iranien(Turquie, Iran, Afghanistan); pp. 77-136;
21. Ehlers, Eckart(1982), "Teppichmanufaktur und Teppichhandel in Arak/Farahah-Iran" in: *Der Islam; Zeitschrift für Geschichte und Kultur des Islamischen Orients*; Berlin [etc.] Vol. 59, Jan. 1 S. 222-253;
22. Ibid(2006), "What is Persian about the Persian Carpet Today? A Case Study on Carpet Manufacturing and Carpet Trade at Kashan" 6TH. *Biennial Conference of Iranian Studies*, 2-5 Aug. 2006, Iran Heritage Foundation, London.

